



یادداشت

ادعای بهتر شدن وضعیت اقشار کم درآمد در دوره روحانی خلاف واقعیت است

صادق کار



حس روحانی در ۱۷ دی و در واکنش به انتقاداتی که از هر سو و خاصه از طرف رقبای محافظه کار حکومتی اش به بهانه گرانی و وضعیت بسیار بد معیشتی مردم به عملکرد وی و دولت اش به او می شود، واکنش نشان داد و از کارنامه دولت دفاع کرد. او قبلاً نیز ادعا کرده بود: "هیچ دولتی بعد از انقلاب نمی تواند ادعا کند مانند دولت یازدهم و دوازدهم حامی اقشار کم درآمد بوده است." این ادعاها در حالی مطرح می شود که آمارهای رسمی منتشر شده از طرف اداره آمار و بانک مرکزی خلاف آن را نشان می دهند.

او طی سخنانی که در جلسه هیئت دولت در پاسخ به انتقادات مخالفین ایراد کرد پس از اشاره به فشارهای اقتصادی و تحریمها از جمله به وفور کالاها اشاره کرد و گفت: 'مردم بخاطر کالا از این خیابان به آن خیابان نرفتند و صف نیستند'. این گفته او هرچند که در مورد گروه های بالایی و ثروتمند جامعه که نسبت به جمعیت ۸۵ میلیونی کشور شمارشان قلیل است صادق است، ولی در مورد ۶۰ میلیون ایرانی که به گفته خودشان بدون یارانه دولتی کمیت زندگی شان لنگ است حقیقت ندارد. اگر منظور از مردم صرفاً طبقه سرمایه دار و مرفه جامعه و سرمایه داران تازه به دوران رسیده حکومتی نباشد دروغ محض و و تلاشی عبث برای وارونه نشان دادن واقعیات و سرپوش نهادن بر فجایی است که روحانی و دولت اش بر سر مردم آورده اند. خلاف گفته روحانی مردم برای خرید کالاهای اساسی مثل نان، تخم مرغ و مرغ، گوشت، روغن، کره... که ظاهراً با ارز ترجیحی فروخته می شد ساعتها در صف ماندند و در موارد بسیاری دست خالی به خانه های شان برگشتند. وفور کالا البته با ارز آزاد همواره در فروشگاه های مناطق ثروتمند وجود داشته و دارد. ایستادن در صف و از این خیابان به آن خیابان رفتن مردم در این مناطق نیز ضرورت نداشته و ندارد. چون ثروتمندان هرچه را نیاز دارند می توانند بدون ایستادن در صف هر زمان که خواستند از فروشگاه های مورد علاقه شان تهیه و قدرت خرید کافی برای پرداخت قیمت آنها را دارند. اما مزد و حقوق بگیران که قدرت خرید شان را از دست داده اند کی می توانند به این فروشگاه ها نزدیک شوند. بله، در کشوری که مردم قدرت خرید شان را از دست داده اند و دولت مرتب با چراغ خاموش قیمت کالاها را افزایش میدهد و از افزایش دستمزدها هم طفره برود و هزینه های اش را با گران کردن ارز با زدن از سفره های مردم تامین کند نه پولی برای خرید کالا باقی می ماند و نه صافی برای خرید کالا تشکیل خواهد شد. دولت تنها طی ۸ سال گذشته قیمت نان را که خوراک اصلی مردم است حداقل در چهار نوبت بیش از ۱۰۰ درصد گران کرد. قیمت بنزین را دوبار افزایش داد. تنها در سال گذشته قیمت بنزین را به تنهایی سه برابر کرد سایر مشتقات نفتی را نیز ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بالا برد. هیچ کالا و خدماتی را نمی توان یافت که قیمت و هزینه آن در



این مدت چند برابر نشده باشد. از آب و برق و گاز بگیر تا خانه و خودرو و هزینه تحصیل و درمان... دستمزدها هم منطقاً بایستی حداقل به نسبت گرانی ها افزایش می یافت، که نیافت و کاهش هم یافتند. اکنون کار بجایی رسیده که دهها میلیون نفر از مردم از تامین نان روزانه شان هم در مانده اند. با این اوصاف آیا دیگر جایی برای این گونه لاف و گزافه گویی ها باقی می ماند؟

همه چیز را به تحریمها نسبت دادن فرافکنی است. فرایند فقیر سازی جامعه سالهاست با فریز کردن دستمزدها، حذف سوبسیدها و گران کردن کالاها و خصوصی سازی ها دنبال شده است. تشدید تحریمهای اقتصادی در یکی دوسال اخیر با اینکه لازم است با آن مخالفت کرد و برای برداشتن شان تلاش نمود، به واقع نقش عمده ای در اخذ این سیاستها نداشته و ندارد. وضعیت معیشتی و همچنین شغلی زحمتکشان بر خلاف ادعای روحانی در هر دو دوره ریاست جمهوری روحانی سال به سال بدتر شده است. گسترش اعتراضات کارگران و معلمان و دیگر زحمتکشان در این مدت و وقوع دو جنبش و خیزش مردمی در سالهای ۹۶ و ۹۸ عمق نارضایتی زحمت کشان از سیاستها و عملکرد روحانی و کل حکومت و دروغ بودن ادعای روحانی در مورد بهتر شدن وضع "اقتشار کم درآمد" را نشان می دهد. حالا هم که خوشبختانه امکان تعدیل و لغو تحریم های اقتصادی بیشتر شده اگر به برنامه بودجه دولت برای سال آینده دقت شود، باز هم مشخص می شود که دولت و مجلس هر دو قصد دارند همان سیاستهای مخرب و ضد مردمی تا کنونی شان را ادامه دهند! یعنی قرار نیست با تعدیل تحریم ها هم چیزی به نفع مردم تغییر کند. ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی که برای خرید کالاها و اساسی اختصاص یافته بود قرار است حداقل بنا به پیشنهاد دولت ۱۱۵۰۰ تومان و به خواست مجلس به ۱۷۵۰۰ تومان افزایش یابد. این تغییر شوک اقتصادی بزرگ دیگری است که به گفته کارشناسان اقتصادی مستقل هزینه های زندگی را بطور ناگهانی سه تا چهار برابر بالا خواهد برد. اما در عوض میزان افزایش دستمزد کارگران و مزد بگیران قرار است بین ۳۵ تا ۴۰ درصد افزایش داده شود. شرکتهای دولتی بیشتری نیز قرار است واگذار شوند. گفته می شود مجلس می خواهد با گران کردن نرخ ارز بودجه چندر غاز یارانه ای را که به فقرا و عده داده است تامین کند. یعنی به واقع چند برابر آن مبلغی را که می خواهد به فقرا بدهد با گران کردن کالاها از آنها پس می گیرد! خلاصه کلام، طی ۸ سال ریاست جمهوری روحانی نه تنها وضعیت "اقتشار کم درآمد" بهتر نشده بلکه به گواه آمارهای رسمی فقیرتر و تعدادشان بسیار بیشتر شده است. افزون بر آن بسیاری از حقوق زحمتکشان توسط دولت روحانی از آنها گرفته شده و دست سرمایه داران برای استثمار آنها بطرز بی سابقه ای باز گذاشته شده. در عوض شمار ثروتمندان و ثروتهای آنها و همچنین نفوذ آنها در دولت و حکومت بسیار فزونی یافته اند. با این همه با کنار رفتن دولت روحانی و افتادن دولت به دست محافظه کاران نیز بهبودی در وضعیت زحمتکشان رخ نخواهد داد. اینها همه به رغم رقابتهایی که با هم دارند بر سر حمایت از سرمایه داران و استثمار و سرکوب کارگران و زحمتکشان اتفاق نظر دارند و سیاست مشترکی را دنبال می کنند. بهمین خاطر نباید فریب مانورهای هیچ کدام از آنها را خورد. نجات زحمتکشان از فقر و بی حقوقی با وجود این حکومت امکان پذیر نیست! تجربه ۴۰ ساله حکومت و آمدن و رفتن دولتهای اصلاح طلب، محافظه کار مختلف گویای این واقعیت است.

به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پساکرمایه داری" بخش پانزدهم

آدام بوٹ



تناقضات درونی اقتصادی بر بنیان اطلاعات - ادامه

ظهور اقتصاد "اطلاعات بنیان" پیامدهای انقلابی قابل توجهی بوده است؛ زیرا کیفیت یگانه اطلاعات دیجیتالی این است که همین که محصول اصلی ساخته شد (یا کدگذاری شد)، تمام نسخه های بعدی آن تقریباً بدون هیچ هزینه ای قابل تولید اند. بنابراین در صورتی که یک بازار تماماً رقابتی واقعی وجود داشته باشد، ارزش و در نتیجه قیمت این قبیل کالاهای دیجیتال باید به سمت صفر میل کند. به واقع هم میلیونها نفر - خواه از طرق "غیرقانونی"، خواه به دلیل امکان استفاده آزاد - به طور مجانی از این کالاها استفاده می کنند؛ نمونه های بسیاری را از نرم افزارهایی که امکان استفاده آزاد آنها وجود دارد، می توان نام برد.

با این حال، تحت شرایط سرمایهداری این وضع حاوی تناقض بزرگی است. شرکتهای سرمایهداری نه برای تأمین نیازهای مردم بلکه برای سود تولید می کنند. اما از آنجا که سود نهایتاً توسط کار انجام شده برای تولید تعیین می شود، اگر میزان کار لازم برای تولید یک کالا - و بنابراین ارزش موجود در آن - به صفر تقلیل یابد، در آن صورت سود نیز به صفر نزول خواهد کرد. بنابراین معضلی که شرکتهای تکنولوژیهای اطلاعات با آن مواجه اند، نقد کردن سود محصولات و خدمات شان است.

نتیجه این وضع برای بسیاری از شرکتهای تکنولوژی اطلاعات آن است که درآمد اصلی شان عملاً از طریق آگهی های تبلیغاتی به دست آید، یعنی انتشار تبلیغات برای دیگرانی، که آماده اند برای دسترسی به داده هایی که این شرکتها از کاربران و مشترکان شان دارند، پول هنگفتی بپردازند.

آلترناتیو دیگر و رایجترین طریق برای شرکتهای تکنولوژی اطلاعات، کوشش برای قطع پیوند بین ارزش کالاهای تولیدی شان و قیمت آنها، از طریق استوار کردن انحصار و بنابراین حذف نیروهای بازار از معادلات شان است. چنان که مارکس به کرات متذکر شده است، قانون ارزش یگانه گرانش واقعی است، اما هر آنجا که انحصارات و محدودیتهای دیگری بر عرضه کالاهای معینی اعمال شوند، قیمتها می توانند بدون مهار از ارزش واقعی فاصله بگیرند.



چنان که پیشتر تشریح شد، سلطه انحصارات بر بخش تکنولوژیهای اطلاعات بارز است: اپل، آمازون، فیس بوک، گوگل، ... همه این شرکتها شرکتهای غول آسای اطلاعات-بنیان اند و برای تأمین سود عملاً به هر کاری دست می زنند تا جامعه را از پتابسیل خود برای دستیابی به وفور دیجیتالی محروم کنند. میسون در این باره می نویسد:

همین که شما می توانید چیزی را کپی کنید و در جای دیگری بچسبانید، به این معناست که تولید آن چیز مجانی است، یا به زبان اقتصاد "هزینه حاشیه ای" آن صفر است. این واقعیت پیامدهای بزرگی برای عملکرد بازار دارد: همین که اقتصاد با کالاهای قابل اشتراک گذاری اطلاعات پر شود، رقابت ناقص تبدیل به یک نرم و قاعده خواهد شد.

تعادل در یک اقتصاد اطلاعات-بنیان زمانی حاصل می شود که انحصارات مسلط شوند و مردم دسترسی نابرابری به اطلاعات مورد نیازشان برای اخذ تصمیمات عقلانی داشته باشند. کوتاه کلام این که بازار تکنولوژی اطلاعات مکانیسم مرسوم قیمت را نابود می کند. منظور از مکانیسم مرسوم قیمت وضعی است که در آن رقابت، قیمتها را به سمت هزینه های تولید سوق می دهد.

در سرمایه داری اطلاعاتی انحصار ابداً به معنای کاربرد یک تاکتیک هوشمندانه برای کسب بیشترین سود نیست؛ بلکه یگانه راه برای عمل این نوع سرمایه داری است. تعداد محدود شرکتهای اطلاعات-بنیان که بر این بخش سلطه دارند، گویای این نکته است. و گویاتر منشور رسالتی شرکت اپل است که در آن به وضوح جلوگیری از وفور موسیقی به عنوان یک رسالت این شرکت اعلام شده است.

بنابراین تکنولوژی اطلاعات در بطن خود حاوی تناقض کلیدی است که سیستم سرمایه داری همواره با آن مواجه بوده است: تناقض بین ارزش کاربردی و ارزش معاوضه. وفور ارزش کاربردی در یک جامعه (به عبارت دیگر ثروت) کاملاً ممکن است. اما مادام که مالکیت خصوصی وجود دارد و هدف تولید سود بیشتر است، غیرممکن است بتوان این تناقض را حل کرد. در این شرایط ما مدام شاهد محرومیتها و کمبودها به جای ثروت و فراوانی خواهیم بود.



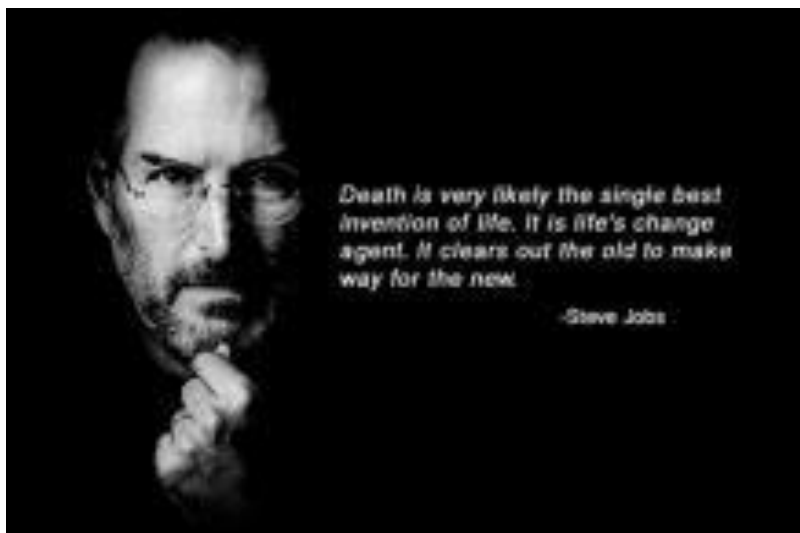
بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



اقتصاد دیجیتال: فضای مجازی و زمان نامحدود در شبکه بخش ۱۰

رابرت یسن

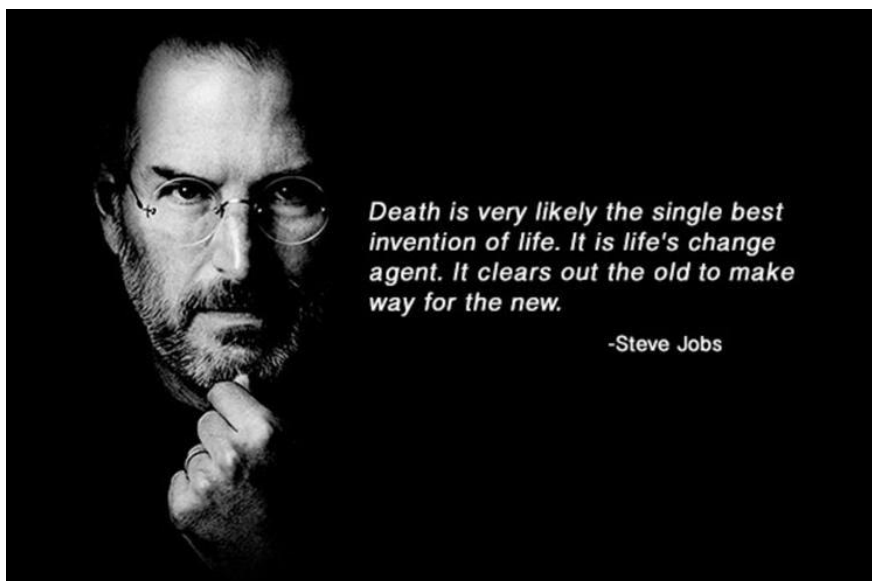
ترجمه گودرز



فصلی از کتاب "شرایط دیجیتال – مارکسیسم پسامدرن و تجربه زندگی دیجیتال ۱" انتشارات دانشگاه وست
مینستر-۲۰۲۰

جهانی شدن درون رو

'سیلیکان ولی' تصویر بزرگ و قانونی برای موفقیت سیستم تعاملی بود، و یا در یک نامگذاری با کلام
دموکراتیک تر، 'مشارکت' کاربر با پلتفرم، مرورگر یا برنامه. جواب هم داد. از طریق یک حمله ایدئولوژیک
جدید و با همکاری شرکت های فناوری دوربین تر که از سقوط جان سالم به در بردند، مردم آمدند و آنها تعامل
کردند. این در درجه اول با یکدیگر نبود همان طور که در روزهای قدیمی بولتن بوردها و حساب های هات میل
رایگان چنین بوده است، بلکه با کسب و کارهایی مانند آمازون که می دیدند کاربر فقط یک مشتری نیست، بلکه
منبع اطلاعاتی است که می تواند گرتنه برداری و انباشت و تبدیل به پول به روش های جدید و همیشه یکپارچه تر
باشد. اگرچه وب ۲/۰ توسط ارایلی به عنوان یک معماری جدید برای مشارکت توصیف شده است، اما هیچ
نوآوری فنی رادیکالی را درگیر نمی کند. همان طور که ایوگنی موروزوف آن را توصیف می کند، ظهور وب
۲/۰ به جای آن اثر یک «امپریالیسم مفهومی» توسط 'سیلیکان ولی' و مولفین دکتترین بازار آزاد آن بود. این کار
تا حد زیادی به منظور تغییر ایده ها در اطراف مفاهیم 'خطرناک' بدون سود مانند نرم افزار منبع باز و 'جوامع
مجازی' و 'شهروند دیجیتال' انجام شد. برای کسب و کار، آن را باید راه اندازی مجدد، گرچه بسیار دیر، در امتداد
خطوط کسب و کار مناسب دید؛ درباره آنچه نرم افزار انجام داد و آنچه در برابر کاربر و وب تسهیل نمود.



تعامل وب ۲/۰ لحظه‌ی جهانی شدن درون رو است. این گام تغییر در نگرش به وب از طرف کسب و کار است، و کمی پس از آن از طرف کاربرانی است که در اصل وب را به عنوان ابزاری کارآمد و راحت و به عنوان یک شکل از پیشرفت پذیرند. در ریشه آن نگرش لیبرتارین الهام گرفته از 'سیلیکان ولی' بود که به زودی در سراسر جهان گسترش خواهد یافت. ما آن را در فلسفه لیبرتارین استیو جابز مدیر فقید اپل، که به قولی یادآور نقل قول تیم اورایلی در بالا، نه تنها باور اصلی 'سیلیکان ولی' از آنچه به منزله 'تعامل' یا 'مشارکت' بلکه نگرش آن نسبت به مردم را بیان می‌کند: "خیلی وقتها مردم نمی‌دانند چه می‌خواهند، تا وقتی که شما آن را به ایشان نشان بدهید. این بدان معنا نیست که ما به حرف مشتریان گوش نمی‌دهیم، اما برای آنها سخت است که به شما بگویند چه می‌خواهند وقتی تا به حال چیزی شبیه به آن را حتی از راه دور ندیده‌اند." همان طور که زندگی دیجیتال قرن بیست و یکم با دربرگرفتن بیش از یک حساب رایگان هات میل و یا مرورگر گوگل آغاز شد، تغییر نگرش کاربران را نیز کلید زد. وب ۲/۰ این کار را به شیوه‌ای انجام داد که به فیس بوک اجازه می‌داد، به عنوان مثال به عنوان وسیله‌ای برای ارتباطات انسانی منفجر شود، و اصطلاح «رسانه‌های اجتماعی» معانی بسیار فراتر از آن چیزی را بدهد که هر کسی ممکن بود در سال ۲۰۰۴ - زمانی که مارک زوکربرگ اپلیکشن خود را راه اندازی کرد - تصور کند. این نوع رابطه تعاملی وب عبارات 'اجتماعی' و 'رسانه‌های دیجیتال' را امروزه تقریباً همزمان و در کنار پول نقد، و یا ابزار 'پول سازی' آورده است. به عبارت دیگر، منطق انباشت سرمایه از 'رسانه' به 'اجتماعی' منتقل شده است به طریق و تا اندازه‌ای که قبل از راه اندازی وب ۲/۰ به خواب کسی هم نمی‌آمد.

فراتر از انباشت از طریق کار و برداشت داده‌های کاربر، هدف تعیین کننده اصلی انباشت سرمایه دیجیتال از تبلیغات است. این بیانیه تقریباً پیش پا افتاده، اما یک واقعیت است که به اندازه‌ی کافی ارزش نیافته است. مدل کسب و کار دیجیتالی تا حد زیادی وابسته به تبلیغات است، و یک آگاهی عمومی است که ردیابی الگوریتمی توسط گوگل، فیسبوک، اوپر، آمازون و غیره... وسیله‌ای است که از طریق آن شرکت‌های فن آوری به 'رابطه تعاملی' اجازه می‌دهند ادامه یابد، البته با رعایت شرایطی که خود نوشته‌اند. با این حال، اثرات 'غرق کردن' زندگی اجتماعی با تبلیغات، به عنوان کاربرد عملی مدل کسب و کار الگوریتمی، بسیار کمتر درک شده و یا درباره‌اش نوشته شده است. دیجیتالیته با قدرت وب ۲/۰ رابطه جدیدی بین تبلیغات و مصرف کننده، از طریق ظرفیت خود برای تبدیل



فرایند نشانه گذاری بی نهایت قابل نفوذ، انعطاف پذیر و جهش پذیر ایجاد کرده است. بالنتیجه آنچه "باودریلارد" آن را 'عملکرد ارتباطی' 'برند کالا' در سرمایه داری نامید، به نیرویی قوی برای انباشت سرمایه تبدیل شده است. دیجیتالیت فضاهای مجازی را ایجاد می کند که در آن افراد فکر می کنند، کار می کنند، استراحت می کنند، تولید می کنند، مصرف می کنند و با دیگران ارتباط برقرار می کنند و یک آتمسفر سرمایه داری ایجاد می شود. عملاً تبلیغات است که همراه کاربر در بیشتر مسیر زندگی در وب، در سپهر عمومی و تا حد زیادی پذیرای کاربر، و اما در معرض گرتة برداری و جمع آوری اطلاعات دیجیتال از مصرف کنندگان، بیش از فقط نشانه های تجاری را به گردش درمی آورد. این نشانه ها نیز در یک شبکه کاملاً پیوسته از گفتمان اجتماعی (روایت ها) که ترویج کالاها را در مرکز فرهنگ سرمایه داری سنتی جاسازی کرده اند، محصور شده اند. این تاثیرگذاری عرضه آمیزش اجتماعی به بازار به طور کلی و ترویج 'وضعیت فرهنگی' زمان ما به طور خاص است.



خصوصی سازی را متوقف کنید!



قطع دست (دله دزدها) راه حل عضو هیئت مدیره مجلس برای مقابله با گرانی و بیکاری!

صادق



به نوشته سایت (آفتاب نیوز) (سید ناصر موسوی لارگانی عضو هیئت رئیسه مجلس فرمایشی با اذعان به افزایش "دله دزدی" به دلیل افزایش بیکاری و گرانی خواستار قطع دست (دله دزدها) (برای پایان دادن به) شرارت (و سرقتها و تامین امنیت شده است!

او البته هیچ پیشنهادی در مورد مجازات دزدان بزرگ و همپالکی های خودش که مردم را به چنان فلاکتی دچار کرده اند که برای سیر کردن شکم شان ناچار به (دله دزدی) (شده اند نداده است. این هم واقعیت دارد که میزان جرائم مختلف بیشتر به همان عللی که وی ذکر کرده بالا رفته و همچنان به صورت پرشتاب و نگران کننده ای در حال بیشتر شدن هستند. ناگفته پیداست که خیلی از افرادی که مرتکب سرقت و بعضی از خلاف های دیگر می شوند نه از خلاف خوششان می آید و نه مادرزاد خلافکار هستند. افکار عمومی نیز اصولاً نه میانه خوشی با کار خلاف دارند و نه از خلافکار و مجرم دفاع می کنند. اما مردم فهمی علل برخی خلافها و دلایل بیشتر شدن آنها را درک می کنند و می دانند بسیاری از خلافها از روی ناچاری یا مربوط به شرایط اقتصادی اجتماعی حاکم بر کشور و عملکرد دولت و حکومت اند که رخ می دهند. کاهش و از بین بردن جرایم هم تابع اقدامات و روشهایی ست است که برای از میان برداشتن علل آنها توسط دولت صورت می گیرد. زمانی که جرایم مرتباً بیشتر می شوند، به معنی آن است که دولت و مجلس نتوانسته اند وظایف شان را بدرستی انجام دهند. وقتی هم که مردم می بینند دولتمردان و نمایندگان مجلس خود دزد و فاسد هستند و مرتکب خلاف و جرایم چنان بزرگی می شوند که هر یک شان با خلاف هزاران (دله دزد (برابری می کند عده ای از آنها اگر دستشان به جایی برسد از دولتمردان تقلید می کنند. اما مقصود این عضو هیئت رئیسه مجلس فرمایشی در اینجا دزدان بزرگ حاکم و مقلدان آنها نیست. همانطور که خودش گفته است، منظورش کسانی است که از روی فقر و تنگدستی و نداشتن شغل و درآمد (دله دزدی) (می کنند.

عضو هیئت رئیسه مجلس دزدان در ادامه این سخنان سخیفانه هیچ راه حلی برای کاهش فقر و بیکاری و گرانی به غیر از قطع دست و افزایش بودجه نیروهای سرکوبگر نکرده است و نگفته که اگر مجازات وحشیانه قطع دست موجب سیر شدن شکمهای گرسنه و خاتمه یافتن دله دزدی ها و جرایم مشابه می شود، پس چرا تعداد این قبیل جرایم سال به سال بیشتر و بقول خودش زندانها از مجرمین پر شده اند و نیاز به استخدام مامور و ابزار سرکوب دم به دم بیشتر شده است؟



عضو هیئت رئیسه مجلس که خودش تنها از بابت (نمایندگی) ماهی بیش از ۳۰ میلیون تومان حقوق و انعام می گیرد درد گرسنگی و فقر را نچشیده تا بداند چرا مردم درمانده با وجود اطلاع داشتن از مجازاتهای وحشیانه شرعی مانند قطع دست که در انتظارشان است به این کار روی می آورند و مگر راه دیگری برای آنها دزدان حاکم باقی گذاشته اند؟ درماندگان از تامین معیشت بر خلاف این نماینده و رئیس مجلس و سایر دزدان حاکم برای ساختن قصر و ویلا و زندگی اشرافی دزدی نمی کنند، برای سیر کردن شکم شان است که دزدی می کنند. چقدر یک نماینده باید بیشرم و شرف باشد و بیگانه با نیاز و احساس انسانی که بر دزدی های چند هزار میلیاردی قالیباف و امثالهم چشم بر بندد و زبان به کام بگیرد ولی در همان حال خواستار برخورد قاطع و قطع دست گرسنگان و آفتابه دزدها و نقص عضو آنها شود. یعنی او و طرفداران ریاکار و دودوزه باز احکام شرعی نمی دانند که قطع دست یک (مجرم) امکان کارکردن را برای همیشه از او سلب می کند و خود انگیزه دزدی در آینده را در او تقویت می کند. در کشوری که حکومت و مجلس اش قادر به ایجاد اشتغال کافی برای مردم اش نیست و بیمه اجتماعی و بیکاری و درمانی را همین به اصطلاح نمایندگان و دولت شان از بین برده اند، خیل عظیم بیکاران و بی چیزان و غارتگر شدگان چگونه باید هزینه های زندگی شان را تامین کنند؟ ظاهر مسئله نمایندگان مجلس و دولت در این کشور نیست که اگر مسئله و دغدغه شان می بود بایستی تا کنون اقدامی می کردند و نمی گذاشتند کار مردم به اینجا که کشیده بکشد. گذشته از همه اینها اظهارات این عضو هیئت رئیسه مجلس سطح فهم و دانش و ظرفیت مجلس فرمایشی را نشان می دهد. مردم نیز بدرستی می دانند از چنین مجلسی نباید انتظاری جز بیشتر شدن فقر و بیکاری، گرانی، خلافکاری و زورگویی و سرکوب را داشت. تحریم گسترده انتخابات مجلس نیز حاکی از همین بی اعتمادی مردم است. این مجلس نیز مانند مجالس پیشین نه تنها هیچ راه کاری برای حل مشکلات و معضلات مردم و کشور نداشته و ندارد بلکه به مراتب از آنها نیز ناتوانتر و ضد مردمی تر و فرمایشی تر است. راه حل را خود مردم پیدا کرده اند و آن چیزی نیست جز اینکه فهمیده اند "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت" و باید خودشان حق خود را چنانکه باز نشستگان در تجمعات سراسری این هفته فریاد زدند با استفاده از اعتصاب و آمدن به خیابان به دست آورند. انتشار سخنان و رهنمود هایی که عضو هیئت رئیسه مجلس فرمایشی برای کاهش سرقت می دهد مردم را برای مبارزه علیه دزدان و جنایتکاران حاکم مصمتر می کند.



علی نوری - فعال مدنی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتصاب کارگران پیمانکاری کشت و صنعت لرستان به دلیل قراردادهای حجمی

کارگران پیمانکاری کشت و صنعت لرستان در ۱۴ دی در اعتراض به وضعیت استخدامی و قرارداد حجمی که آنها را از بخشی از دستمزد و حقوق شان محروم می کند اعتصاب کردند. کارگران معترض در این اعتصاب خواستار حذف قراردادهای حجمی و استخدام مستقیم توسط کشت و صنعت لرستان و از میان برداشتن تبعیض مزدی شدند. گفتنی است که مخالفت با کار پیمانی در میان کارگران شرکتهای پیمانکاری به یک پدیده سراسری تبدیل گردیده و هر روز که می گذرد بر ابعاد این نوع اعتراضات افزوده می شود، کار پیمانی در مشاغلی که ماهیت مستمر دارد در واقع نوعی استثمار مضاعف است که اکثریت کارگران کشور نسبت به آن معترض و خواهان امحای آن هستند.

اعتراض کارگران هپکو به بلاتکلیفی تولیدی کارخانه

کارگران هپکو در این هفته بار دیگر نسبت به عدم اختصاص بودجه برای فعال کردن تولید و خروج کارخانه از رکود اعتراض و خواستار انجام اقدامات لازم برای خروج کارخانه از رکود شدند. با وجود اینکه از مدتی پیش کارخانه هپکو بابت بخشی از بدهی های کلان دولت به تامین اجتماعی به این سازمان واگذار شده، ولی کارخانه به رغم توانایی و ظرفیتی که برای تولید ماشین آلات صنعتی و ساختمانی دارد از ظرفیت آن استفاده نمی شود و ماشین آلاتی که توسط هپکو قبلاً تولید می شدند از خارج وارد می شوند. در هفته گذشته مشخص شد که در یک کشتی باربری که در نزدیک یکی از جزایر جنوب دچار سانحه شد تعدادی بیل مکانیکی خریداری شده هم در کشتی بوده که از خارج خریداری شده بودند. انتشار این خبر موجب عصبانیت و اعتراض مجدد کارگران هپکو که قبلاً بیل مکانیکی نیز تولید می کردند شد. افشای اخبار این چینی نشان می دهد که تا چه حد دلالان و وارکنندگان در زمینگیر کردن و اخلاص در راه اندازی واحدهای تولیدی و نابود کردن آنها نقش دارند. سرعت دادن به تهاتر کردن بدهی های کارخانه و ممنوعیت واردات ماشین آلاتی که در هپکو قابل تولید هستند از دیگر مطالبات کارگران است.



حمایت دیوان داوری از مالک اختلاسگر و فاسد هفت تپه!

دیوان داوری که رسیدگی به تعیین مالکیت هفت تپه را به عهده داشت در این هفته بنا به گفته احمد نادری نماینده مجلس به نفع اسدبیگی و شرکای وی رای داد. دفاع هیئت داوری که متشکل از طرفداران خصوصی سازی و سرمایه‌داران رانت خوار است در حالی رای به ماندن هفت تپه در مالکیت اسد بیگی و شرکای وی داد که آنها علاوه بر اختلاس ارزی یک و نیم میلیارد دلاری که مرتکب شدند این مجتمع عظیم صنعتی-کشاورزی را که تنها ارزش زمینهای آن در هنگام فروش بالغ بر ۱۲۰۰ میلیارد بوده به بهای یک ششم قیمت زمین های آن بصورت اقساط و با پرداخت تنها ۱۰ میلیارد تومان پیش پرداخت فروخته شد. مالکان بعد از خرید نیز نه تنها از باز پرداخت اقساط آن شانه خالی نمودند، به بهانه نوسازی ماشین آلات و توسعه کارخانه نزدیک به یک و نیم میلیارد ارز دولتی را اخاذی کرد و در بازار آزاد فروختند. با وجود محرز شدن تخلفات انجام شده توسط سازمان خصوصی سازی، دولت و اسدبیگی و شرکا و اختلاسهای ارزی میلیاردی و روشن شدن رشوه‌های نجومی رد و بدل شده در این معامله کثیف و مافیایی هیئت داوری بر همه اینها چشم فرو بست و همانطور که انتظار می رفت به نفع مالک فاسد و غارتگران اموال عمومی رای داد.

این همه کشمکش و بگیر و ببند بر سر حفظ مالکیت کارخانه در حالی انجام گرفت که سرمایه‌داران رانتخوار در تبلیغات شان از مقرون به صرفه نبودن تولید دم می زنند. اگر تولید به صرفه نیست و بهمین بهانه تمام حق و حقوق کارگر را از بین برده‌اید، پس این همه جنگ و دعوا بر سر چه چیزی است؟ حالا دیگر معلوم شده که در پس این رای می بایست زد و بند و بده بستانی بین مدعیان حکومتی دروغین "عدالتخواهی و نولیبرالهای دولتی انجام گرفته باشد. این پرونده در غیر این صورت نمی توانست به این شکل خاتمه پیدا کند.

اعتصاب کردیم چون تحمل بی پولی را نداریم

۲۰۰ تن از کارگران آبدار آیفای کهکیلویه در ۱۴ دی به دلیل پرداخت نشدن طلب مزدی و حق بیمه شان به تامین اجتماعی اعتصاب و خواستار پرداخت آنها شدند. کارگران گفتند اعتصاب کردیم چون بیش از این در این شرایط گرانی تحمل بی پولی را نداریم. یکی از کارگران معترض نیز گفت برای گرفتن طلب و خواسته هایشان بارها به مسئولین مراجعه نموده‌اند که از مراجعات شان به جز وعده‌های عملی نشده از آنها اقدام دیگری برای شان نکرده‌اند. البته چندان هم دور از انتظار نیست که مسئولین نخواست و یا نتوانسته‌اند برای آنها کاری انجام دهند. در همه شهرها وضعیت کم و بیش مشابه است. صاحبان شرکتهای پیمانکاری که اکثرا از وابستگان به حکومت هستند از چنان پشتوانه و قدرتی برخوردارند که زور عده‌ای از مسئولین یا به آنها نمی رسد و یا دست شان با صاحبان شرکتها در یک کاسه است. بهمین خاطر خود کارگران هستند که بایستی تلاش کنند با اتحاد و همبستگی و متشکل کردن خودشان حق و حقوق شان را بگیرند. راه دیگری جز این در این حکومت مقابل زحمتکشان وجود ندارد. آری بی پولی، بی حقوقی و زندگی زیر خط فقر را نباید تحمل کرد.

از سرگیری تجمعات گسترده بازنشستگان و انتخاب خیابان برای گرفتن حق

بازنشستگان تامین اجتماعی ۱۱ استان در ۱۴ دی بار دیگر روانه خیابانها و میادین شهرها شدند تا اعتراض نسبت به شرایط بد معیشتی شان را به گوش مقامات دولتی فرو کنند و مصمم بود خودشان برای گرفتن حق و حقوق شان از حاکمان غاصب و ظالم را نشان دهند. در پایان این تجمعات گسترده که یکشنبه هفته گذشته در تهران، و مراکز استانهای فارس، کردستان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، البرز، قزوین، اصفهان، همدان، لرستان و خوزستان برگزار شد، بازنشستگان با انتشار قطعنامه هایی خواسته‌های خود از دولت و تامین اجتماعی را اعلام



کردند و خواستار اجرای آنها شدند. افزایش حقوق بالای خط فقر و به میزان هزینه های زندگی، اجرای درست همسان سازی برای همه بازنشستگان، پرداخت بدهی های دولت به تامین اجتماعی، به رسمیت شناخته شدن حق تشکل مستقل، خدمات درمانی و رفاهی رایگان و کافی مهمترین خواسته های مشترک همه بازنشستگان شرکت کننده در این تجمعات بودند. همچنین در اجتماعات بازنشستگان کارگری شعارهای متعددی علیه دولت داده شد. دو نکته حائز اهمیت تاکید معترضین بر حق تشکل مستقل و انتخاب خیابان برای گرفتن حق بود. که در واقع نشانگر رویکرد تازه ای است. رویکردی که نتیجه تجربه و مبارزات جنبش کارگری و نفی تشکلهای حکومتی و رفتار سازشکارانه آنها است. آری وضعیت بد معیشتی بازنشستگان تا حدود زیادی نتیجه بی تشکلی گذشته آنهاست. اگر آنها قبل از بازنشستگی تشکل مستقل و واقعی داشتند هم آن موقع هم، امروز روز حتمی وضعیت شان بهتر از این که هست می بود. این نکته مهمی است که شاغلان امروز و بازنشستگان آینده نیز از آن خواهند آموخت.

کار هنرمندان تئاتر نیز به تجمع کشید

اعتراضات اجتماعی دم به در حال افزایش اند. فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و تلفیق آنها با هم وضعیت غیر قابل تحملی را بوجود آورده و مردم را به اعتراض کشانده است. حالا کار بجایی رسیده که هنرمندان تئاتر نیز کارشان به تجمع و اعتراض کشیده است. به یک معنی وضعیت آنها نه تنها چندان بهتر از سایر زحمتکشان نیست بلکه در مواردی بدتر هم هست. علاوه بر فشار سانسور حالا آنها بایستی فشار بیکاری و نداشتن بیمه و درآمد را نیز به دوش بکشند. در یکشنبه گذشته شمار زیادی از هنرمندان تئاتر به همراه اعضای هیئت مدیره مرکزی خانه تئاتر ضمن تجمع مقابل مجلس با ارائه بیانیه ای خواستار رسیدگی به مطالبات خود از نمایندگان مجلس شدند. در پایان این تجمع بیانیه ای حاوی مطالبات هنرمندان از طرف تجمع کنندگان خوانده و در اختیار مجلس قرار داده شد که بر پیگیری آنها تا رسیدگی تاکید شده است.

در بندهای پایانی بیانیه خواسته های هنرمندان آمده:

"ما اکنون با خشم و زخم، بخشی از مطالبات کوچک و نه کلان و زیرساختی مان را از شما می خواهیم. چرا که برآورده کردن آن از وظایف شما در برابر حقوق شهروندی این بخش که فراموش شده جامعه است. کاری که همه کشور های بزرگ و فرهنگ مدار جهان انجام داده اند پس از شما می خواهیم:

۱- در راستای توجه به معیشت خانواده کلان تئاتر در سراسر ایران حقوق بیکاری و تسهیلات بیمه و درمان و دارو در نظر گرفته شود.

۲- جهت تولید آثار نمایشی و رفع خسارات ناشی از شیوع ویروس کرونا برای تمام گروه ها اعم از حرفه ای و دانشجویی، صحنه ای و خیابانی، کودک و نوجوان، آئینی و سنتی بودجه مکفی و در شان اختصاص یابد.

۳- تخصیص کمک های مالی و بلاعوض و وام های با سود کم برای خانواده شریف تئاتر که بیش از ده ماه بیکاری مطلق را با نجابت و شکیبایی تحمل کرده اند.

۴- برای جلوگیری از تعطیلی دم به دم و روز افزون تئاتر های خصوصی که نقش مهمی در تولید نمایش و بدنه تئاتر ایران دارند ردیف بودجه حمایتی در نظر گرفته شود.

۵- تعیین مستمری برای سرپرست خانوار های کم بضاعت و پرداخت اجاره های معوقه مسکن آنان

۶- افزایش بودجه تولید حمایتی تئاتر ایران

در انتهای این گردهمایی، شهرام گیل آبادی، مدیر عامل خانه تئاتر هم گفت: بیانیه ای که به نمایندگی از هیات مدیره جامعه تئاتر ایران قرائت شد، به دست نمایندگان و رئیس مجلس رسیده و ما این مطالبه را تا به آخر دنبال خواهیم کرد. مسئولین محترم بدانند که این مطالبه حداقل های مدنی و انسانی جامعه بزرگ تئاتر کشور است.



وی تأکید کرد: در سکوت و آرامش در فضای فرهنگی، فرهنگ ایرانی را نشان داده ایم اما مطالبه مان را تا به آخر با حضور بزرگان دنبال خواهیم کرد. اگر نیاز شود باز هم جمع خواهیم شد و به شکل جمعی مطالبه مان را دنبال خواهیم کرد".

تجمع کارکنان شرکتی حوزه بهداشت در یزد

در ۱۴ دی باردیگر کارکنان شرکتی حوزه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی یزد در اعتراض به پرداخت نشدن منظم و مستمر دستمزدهایشان، به تکیه بر وضعیت استخدامی و تبعیض مقابل استانداری شهر تجمع کردند. معترضین در این تجمع اعتراضی خواستار تبدیل قراردادهای کاری شان از شرکتی به مستقیم، رفع تبعیضات مزدی و شغلی و پرداخت منظم و ...

مستمر دستمزدها و مزایای جنبی شغلی شان شدند. پرستاران شرکتی خوزستان نیز در ۱۵ دی که از شهرهای مختلف این استان به اهواز آمده بودند در مقابل ساختمان استانداری تجمع و خواستار همسان سازی حقوق ها و رفع تبعیضات شغلی موجود میان حقوق پرستاران شرکتی و غیر شرکتی و اجرای تعرفه گذاری برای خدمات پرستاری شدند. منظور از رفع تبعیض اختلاف زیاد است که بین دستمزد و مزایای پرستاران شرکتی با قراردادی و رسمی وجود دارد و رفع آن منوط به تغییر شرایط استخدامی پرستاران شرکتی است.

اعتصاب همراه با تجمع کارگران حجمی نفت و گاز گچساران

کارگران حجمی نفت و گاز گچساران از روز ۱۳ دی در اعتراض به تغییر نکردن قرارداد حجمی به مستقیم، پرداخت نشدن منظم و به موقع دستمزدها و طفره رفتن کارفرما از پرداخت اضافه حقوق مصوب شورای عالی کار در سال جاری اعتصاب و تجمع نمودند. ۳۸۰ کارگر شاغل در این شرکت که در اعتصاب بسر می برند، همچنین نسبت به اجرا نشدن طبقه بندی، ندادن حق اضافه کاری و پاداش و لباس کار اعتراض و خواستار عملی کردن خواسته هایشان توسط کارفرما هستند. به گفته یکی از کارگران ده سال است که کارفرما از تبدیل قراردادهای حجمی آنها خودداری می کند و می گوید مزایای قانونی شامل حال کارگران حجمی نمی شود. گفتنی است که تنها از طریق پرداخت نکردن این بخش از حقوق و دستمزد به کارگران که همگی هم قانونی و حداقلی هستند صاحبان چنین شرکتیهای سالانه دهها میلیارد سود اضافی به جیب می زنند و مسئولین دولتی و ادارات کار نیز در مقابل این ستمگریهای کارفرمایان که غیر قانونی هم هست اقدامی نمی کنند.

تجمع اعتراضی ۱۲۰ کارگران اخراج شده پارس پولاد در نائین

در روزهای ۱۴ و ۱۵ دی کارگران اخراجی پارس پولاد در اعتراض به اخراج و پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان در مقابل فرمانداری شهر تجمع و خواستار رسیدگی مسئولین به مطالبات شان شدند. ظاهراً علت اخراج کارگران نداشتن مواد اولیه کافی و سقوط سطح تولید کارخانه که برکیت سرد تولید می کند است. گفته شده ظرفیت این کارخانه که در سال ۹۷ آغاز به تولید نموده ۳۰۰ هزار تن در سال بوده، ولی فعلاً با ۶۰ درصد ظرفیت اسمی خود تولید می کند. مواد اولیه کارخانه آهن اسفنجی است که در بازار آزاد موجود ولی با ۳۰ درصد قیمت اضافی فروخته می شود به گفته یکی از مدیران برای کارخانه مقرون به صرفه نیست که مواد اولیه اش را از بازار آزاد خریداری کند. دولت نیز به همه تعهداتش در خصوص تامین مواد اولیه عمل نکرده. از قضایا چنین بر می آید که اخراج کارگران و پرداخت نکردن چند ماه دستمزد به آنها از طرف کارفرما برای فشار آوردن به دولت برای تامین مواد اولیه صورت گرفته است.



مرگ فجیع ۳ کارگر در دیگ روغن

نسه کارگر کارخانه چرمسازی در ۱۷ دی که در کارخانه پتروآسام پیشرو واقع در بوئین زهرا کار می کردند به قراری که ایلنا گزارش داده در اثر سقوط به داخل دیگ روغن کشته شدند. ایلنا در مورد داغ یا داغ نبودن دیگ روغن چیزی ننوشته، ولی به نظر می رسد که دیگ به احتمال بسیار هنگام حادثه جوشان بوده است. اگر این گمان درست باشد مرگ ۳ کارگر بسیار دردناک بوده است. متأسفانه کشته شدن کارگران در حین کار روز به روز بیشتر می شود. با این همه اما ادارات کار و حفاظت فنی و بهداشتی کار چندانی برای توقف این روند پرشتاب انجام نمی دهند و نظارت موثری بر رعایت اصول ایمنی و بهداشتی در محل های کار نمی کنند. کارفرما ها نیز برای سود اندوزی بیشتر معمولاً از تجهیز کارخانه های شان به وسایل ایمنی و بهداشتی خودداری می کنند. دستگاه قضایی و دادگستری نیز با مجازات نکردن کارفرمایان خاطی به تشدید این روند کمک می کنند. با این احوال تنها تشکلهای سندیکایی هستند که می توانند این روند را متوقف کنند که آنها هم وجودشان از طرف دولت و کارفرمایان تحمل نمی شود.

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

**"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!